

ووریتسیم و سایر جنبش های آوان گارد ۱۹۲۰ خودنمایی کرد. در بخش های انگلیسی زبان دنیا، فنون نمایشی اکسپرسیونیستی در برخی از نمایشنامه های یوجین اونیل و شون اوکیسی، و در اپیزود «سیرک» از رمان «اولیس» (۱۹۲۲) اثر جیمز جویس، مورد استفاده قرار گرفته اند. در شعر، تی اس الیوت در سرزمین هرز (۱۹۲۲)، می تواند اکسپرسیونیست محسوب شود. در معنی وسیع تر، این عنوان به این معنی به کار می رود که آثار ادبی ضرورتاً نشان دهنده ی حالت ها و افکار نویسندگان هستند؛ از زمان ظهور رمانتیسیم این فرض غالب در مورد ادبیات است.

تا حدی نمایشنامه های اولیه ی برتولت برشت را تحت تأثیر قرار دادند. هزار توی کابوس مانند رمان های فرانتس کافکا نزدیکترین تعریف برای اکسپرسیونیسم محسوب می شوند. اکسپرسیونیسم آلمانی امروزه به خاطر نفوذ وسیعش روی شاهکارهای سینمایی شناخته شده: آثاری مثل مطب دکتر کالیگاری (۱۹۲۰) ساخته ی رابرت وین، نوسفراتو (۱۹۲۲) ساخته ی ف. دیبلو مونرو، و متروپولیس (۱۹۲۶) اثر فریتس لانگ، این فیلم های همراه با استفاده ی خاص و وهم آور از سایه ها، همه در علاقه به جهانی مکانیکی و فضاهای خلسه مانند وجه اشتراک دارند. همین مشخصات در ادبیات اکسپرسیونیستی نیز دیده می شود؛ موضوعی که معمولاً اکسپرسیونیسم به آن می پردازد فوران تفکر غیر منطقی و نیروهای آشوب برانگیزی است که در زیر پوسته ی دنیای مکانیکی و مدرن امروزی وجود دارند. برخی از نیروهای در حال انفجار این مکتب به صورت داداتیسم،

این عنوان به طور کلی به شکلی از ادبیات یا هنرهای بصری اطلاق می شود که در تضاد شدید با رئالیسم یا ناتورالیسم قرار داشته باشد، و جهانی به شدت در هم ریخته بر اثر فشار حالت های روحی، نظریات، و احساسات فردی را مجسم کند: تصویر و زبان بیشتر در خدمت بیان احساس باشد و خیالپردازی بر واقعیت بیرونی موجود غالب باشد. اکسپرسیونیسم با وجود این که جنبش سازمان یافته ای نبود در نقاشی، تئاتر، شعر و سینمای آلمانی زبان اروپا بین سال های ۱۹۱۰ و ۱۹۲۴ عامل مهمی محسوب می شد. این عنوان تا ۱۹۱۱ به کار نرفته بود، اما از آن زمان هنگام مرور آثار گذشته برخی از پیشگامان شیوه های اکسپرسیونیستی تحت این عنوان شناخته می شوند، مانند نمایشنامه های بوشتر در دهه ی ۱۸۳۰ و نقاشی های ون سان ونگوگ در دهه ی ۱۸۸۰، از میان سایر پیشگامان برجسته ی این سبک می توان از نقاشی نروژی ادوارد مونش، نویسنده سوئدی آگوست استریندبرگ (در نمایش رویا، ۱۹۰۲)، و نمایشنامه نویس آلمانی فرانک و ده کاینند، در دوره ی ۲۴ - ۱۹۱۰، نام برد.

در نقاشی واسیلی کاندینسکی و گروه نقاشان «بلورایدر» آگاهانه از شیوه ی اکسپرسیونیستی در آثار آبستره استفاده کردند، در حالی که در تئاتر خصوصیات ضد ناتورالیستی متعددی از مشخصه های آبستره و عدم انسجام ساختمان اثر در نمایشنامه های ارنست تولر، جورج کایزر و والتر هاسن کلور به کار گرفته شد؛ این افراد

اکسپرسیونیسم